خراسان بزرگ:سال پنجم،شماره(۱۵)،تابستان ۱۳۹۳
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.(5), No.(15), summer 2014

شخصی سازی فضا در شهر مشهد و تقابل آن با الگوی انسجام فضایی در شهر اسلامی[1]

دکتر محمدرحیم رهنما[2]
مصطفی امیرفخریان[3](نویسنده مسئول)
محمد اجزاء شکوهی[4]

تاریخ دریافت:۱۳۹۲/۱۱/۲۱
تاریخ پذیرش:۱۳۹۳/۳/۶
شماره صفحات: ۵۹-۴۱

چکیده
انسجام فضایی به‌عنوان موضوعی که یکپارچگی فضای شهری را مدنظر دارد، از گذشته‌های دور یکی از مهمترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان به شمار می‌آمده است. در بین حکمای مسلمان، مسئله انسجام، برآیندی از مجموعه ارتباطات، بین موجودات و ارتباط آن با مبدأ هستی است که در شکل نظام‌مند خود در اصل «تجلی وحدت در کثرت» بیان‌شده است. توجه به این اصل، در انسجام فضایی شهر مبیّن آن است که شهر و کالبد آن، به‌عنوان جزئی از عالم ماده و کثرت، دریچه‌ای به سمت عالم معنا و کمال حقیقی است؛ لذا می‌بایست در این مسیر تکامل یابد. این مطالعه به شکل ویژه، ضمن توجه به این رویکرد و تعمیم آن در شکلیابی فضای شهر، موضوع انسجام فضایی در شهر مشهد را در قالب تحولات رخداده در فضای آن طی سال‌های اخیر موردبحث و تحلیل قرار می‌دهد. بدین منظور ضمن اتخاذ رویکردی کیفی مبتنی بر مشاهده و مصاحبه و ارزیابی اقدامات انجام‌شده در محورهای پیرامون حرم مطهر و ارتفاعات جنوبی شهر مشهد، به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که «آیا شیوه‌های شکلیابی فضا در شهر مشهد انطباقی با الگوی اسلامی دارد»؟ نتایج حاکی است که مبنای شکلیابی فضا در وضع موجود مبتنی بر فرایندی است که در آن هر پدیده، به دنبال نمایش و عرضهٔ خود به‌عنوان موضوع اثرگذار بر فضای پیرامونی است که از آن می‌توان با نام «شخصی‌سازی فضا» یاد کرد. چنین سبکی از شکلیابی فضا که مبتنی بر جای‌گذاری عناصر مادی، در کانون نظام معنایی است، در تقابل با رویکرد انسجام‌بخشی بر اساس اصل وحدت در کثرت می‌باشد که ازهم‌گسیختگی فضای شهری را به دنبال دارد.

کلیدواژه ها:
انسجام فضایی، وحدت در کثرت، شهر مشهد، شخصی‌سازی فضا.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری مصطفی امیرفخریان با عنوان «تجلی وحدت در کثرت؛ رهیافتی در راستای انسجام و تنوع فضایی شهر مشهد و الگوی شهر ایرانی اسلامی» است.
۲- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد
۳- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد amirfakhriyan@yahoo.com
۴- دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

۱-مقدمه

هـر تمـدن و فرهنگـی بـه دنبـال تجلـی سـازی‌مفاهیم کلیـدی و بنیـادی مرتبـط بـا مکتـب متعلق به آن اسـت. از ایـن منظـر، محیـط زندگـی بـه دلیـل ارتبـاط نزدیـک و جایـگاه آن به‌عنـوان بخشـی از حیـات مـادی انسـان، جلـوه‌گاه مناسـبی از ایـن تجلـی بـوده اسـت. لـذا در هر عصـر و دوره‌هـای یکـی از دل مشـغولی های هـر نظام و تمـدن، نحـوه آشکارسـازی و مفاهیم اعتقـادی در فضای مـادی می‌باشـد. کافـی اسـت بـه ایـن موضـوع توجـه کنیـم کـه ایـن تجلـی تنها یـک نمایـش سـاده از باورها نیسـت، بلکـه نهادینـه سـازی آن در پیکـره اجتمـاع و شـکلیابی محیـط، هدف این اقدام اسـت، تـا دراثنای آن، بـه تربیـت انسـان‌هایی نائـل شـود کـه آیینه تمـام نمای بـروز و ظهـور ایـن تجلـی باشـند. لـذا محیـط زندگی در یـک چرخـۀ اثرگـذاری و اثرپذیری بر انسـان و از انسـان و آرمـان اوسـت کـه ماحصـل ایـنِ چرخـه، همانـا تربیت انسـان و فضای زندگـی او و نهایتاً رشـد اعتلای فرهنگ و اعتقـاد جامعـه بـه شـمار می‌آید.

در شـهر و تمدن اسـلامی به دلیل اعتقاد و التزام ساکنین بـه کاملتریـن و جامع‌تریـن دسـتور زندگـی، کـه کلیـه شـئون حیـات آنهـا را در بـر می‌گیـرد، آراسـتگی فضـای کالبـدی کـه تجلی دهنـده آثار مرتبط با این اعتقاد باشـد، اهمیـت فزاینـده‌ای دارد. شـهر به‌عنـوان شـاخص‌ترین و تکامل‌یافته‌تریـن نشـانه، از زندگـی جمعـی انسـان‌ها از آغـازی بسـیار دور تـا به امـروز، بسـتری ارزنـده به‌منظور پـرورش و نمایـش اعتقـادات و باورها، همـواره موردتوجه و حمایـت حـکام و حکما بوده اسـت. لـذا آن را میتوان در مرحلـه اول محصولـی از فرهنـگ مردمـان هر سـرزمین و متأثـر از عواملـی همچـون اقلیـم، اقتصـاد و فرهنگ به شـمار آورد (فرزین، ۱۳۸۹: ۲۷).

به دیگر سـخن شـهر، شـاخص‌ترین و تکامل یافته ترین نشـانه از زندگی جمعی انسـان‌ها و بازتابی از رابطه انسان بـا طبیعت و رابطه با جهان اسـت[۱] (بیکن، ۱۳۸۶: ۱۶).

متأسـفانه در شـرایط فعلـی بیشـترین نظریه‌هـای وارداتـی در زمینـه شهرسـازی و برنامه‌ریـزی شـهری در کشـور مـا، سـاخته و پرداختـه جوامـع غربـی اسـت کـه عـلاوه بـر آن، بیشـترین تأثیـر را نیـز بـر رویکردهـای خلق فضا در شهرسازی دارند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۲).

بـه بیـان دیگـر بنیان‌هـای نظـری در زمینـه شهرسـازی ایرانـی اسـلامی چنـدان موردتوجـه جـدی قـرار نگرفتـه و لـذا تجلـی کالبـدی نظـرات و اندیشـه هـای بنیادیـن در .ایـن بـاب، کمتـر قابـل مشـاهده اسـت (میثاقیـان، ۱۳۹۲: ۱).

ازجملـه مفاهیـم و معیارهـای کلیـدی کـه تقریبـاً در تمامـی اعصـار شهرسـازی، مـورد تأکیـد و توجـه بـوده اسـت، مسـئله انسـجام و یکپارچگـی فضـای شـهری اسـت. از اندیشـه هـای اولیـه در یونـان باسـتان تـا اندیشـه‌های کثرت‌گـرای قـرن حاضـر، موضـوع انسـجام فضایـی شـهر، همـواره یکـی از دغدغـه هـای مهـم نظریه‌پـردازان و برنامه‌ریـزان بـه شـمار آمـده اسـت. ایـن مفهـوم از سـویی به‌عنـوان موضوعـی محـوری کـه مبنـای شـکلیابی فضـا بـر آن اسـتوار اسـت و از سـوی دیگـر بـه دلیـل ارتبـاط آن بـا ایدئولـوژی و مکتـب، جایـگاه بسـیار ارزنـده‌ای را در مبانـی برنامه‌ریـزی داشـته اسـت. بـه عبارتـی نمونـه تأثیـر عینـی هـر مکتـب و اندیشـه فکـری در فضـای شـهر را می‌تـوان در ویژگی‌هـای انسـجام فضایـی آن مشـاهده کـرد.

موضـوع انسـجام در شـرایط کنونـی بـه دلیـل گسـتردگی تنوعـات و افزایـش ارتباطـات، و برخـورد و همجـواری فرهنگ‌هـای گوناگـون و تعاطـی و اختـلاط آنهـا، به‌عنـوان یکـی از چالش‌هـای اساسـی شـهری و برنامه‌ریـزی بـه شـمار می‌آیـد. به‌عنـوان نمونـه در عرصـه جهانـی میتـوان بـه چالـش انسـجام فضایـی در ناحیـه فرانکفـورت –رایـن از دهـه ۱۹۸۰ بـه بعـد بـه دلیـل مهاجرت‌هـای گسـترده اشـاره کـرد .(Salet, 2003, p. 50)

یـا در عرصـه داخلـی بررسـی‌های انجام‌شـده بیانگـر توسـعه فردگرایـی و ارزشـهای فردگرایانـه در فضـای شـهری اسـت (صدیـق سروسـتانی و نیمـروزی، ۱۳۸۹). انسـجام در فرهنـگ اسـلامی و ازنظـر حکمـای آن، به‌عنـوان جلـوۀ کاملـی از هسـتی و جهـان خلقـت و ارتبـاط آن بـا معبـود، بـه شـکل کامـل موردتوجـه قرارگرفتـه اسـت. کـه نمونـه عالـی آن را میتـوان در اصـل «تجلـی وحـدت در کثـرت» در حکمـت صـدرا مشـاهده کـرد. مبنـای ایـن اصـل ریشـه در وحـدت وجـود و اصالـت آن دارد. بـر مبنـای ایـن نظریـه، وجود دارای حقیقـت واحـدی اسـت کـه ایـن حقیقـت واحـد، دارای مراتـب شـدید و ضعیـف اسـت. یعنـی

۱-بـه عنـوان مثـال از دیـدگاه نظریـه مارکسیسـتی شـهر عرصـه‌ای اسـت از مبـارزه طبقاتـی و هـدف بلافصـل یـک شهرسـاز عبـارت اسـت از حـذف موانعـی کـه موجـب منافـع نابرابـر شـهروندان مـی گـردد

ازیک‌طـرف، یـک حقیقـتِ واحـد بیشـتر نیسـت و از طـرف دیگـر، به‌صـورت حقایـقِ متعـددِ خارجـی تحقق‌یافتـه اسـت. در حقیقـت موجـودات متبایـن، تجلیاتِ مختلـفِ همـان حقیقـت واحـد هسـتند و ایـن همـان چیـزی اسـت کـه «وحـدت در عیـن کثـرت و یـا کثـرت در عیـن وحـدت» گفتـه می‌شـود (ابراهیمـی دینانـی، ۱۳۸۱).

بـر مبنـای ایـن اصـل، آنچـه مقـوّم و جهـت دهنـده بـه کثـرات اسـت و آنهـا را منسـجم و یکپارچـه جلـوه میدهـد، عامـلِ وحـدت بخشـی اسـت، کـه بـه سـمتِ حقیقـتِ مطلـق، جهـت دارد و هـر یـک از کثـراتْ به‌نوعـی، تجلـی دهنـده ایـن وحـدت و حقیقـت هسـتند. در شـکل کالبـدی و عرصـه فضایـی، به شـکل خـاص می‌تـوان از اقدامـات حکیـم نامـدار شـیعه، شـیخ بهایـی در عصـر صفویـه نـام بـرد کـه ضمـن توجـه بـه ایـن اصـل، خالـق مکتبـی در شهرسـازی شـد کـه از آن بـا نـام مکتـب اصفهـان یـاد می‌شـود (حبیبـی، ۱۳۷۷: ۴۸-۵۳). لـذا ایـن اصـل را می‌تـوان ازجملـه نظریـات مهـم در انسـجام و خلـق فضـای شـهری بـه شـمار آورد.

در عرصـه تجربیـات جهانـی، رویکردهـای انسـجام گـرا شـامل رویکردهـای کل گـرا، سـازمندگرا، زیباگـرا، سـاختارگرا و زمینـه گـرا محسـوب می‌شـوند (تولایـی، ۱۳۸۷: ۵۵-۱۲۵)،کـه وجـوه متفاوتـی را بـا یکدیگـر نمایـش می‌دهنـد. بـه عنـوان نمونـه رویکـرد زمینـه گرایـی بـه دلیـل تأثیرپذیـری از کثرت‌گرایـی، توجـه بـه مقیاس‌هـای کوچـک، در برنامه‌ریـزی و طراحـی را مطـرح می‌سـازد کـه در ایـن زمینـه شـهر بـه صـورت مجـزا و بـه صـورت الگـوی «شـهر چندتکـه[1]» کـه همچـون کـولاژی، از تکـه هـای گوناگـون تشـکیل شـده اسـت. (Dugopolski 2008)

۲-بیان مسئله:

بـا توجـه بـه آنچـه گفتـه شـده در شـرایط حاضـر مشـاهده میشـود کـه، شـیوه انسـجام و شـکلیابی فضـا، مبتنـی بـر اندیشـه و تفکـرات بومـی، در بسـیاری از جوامـع رو بـه خاموشـی و سسـتی گراییـده اسـت و لـذا ارتبـاط مناسـبی بیـن بسـیاری از طرح‌هـا و شـیوه هـای برنامه‌ریـزی بـا مبانـی فکـری و اعتقـادی آن قابـل مشـاهده نیسـت. بـه گونـه ای کـه هـر یـک سـاز خـود را می‌نوازنـد و در عمـل بهـره‌ای از یکدیگـر نمـی برنـد. نتیجـه ایـن ناهمخوانـی، بی‌هویـت سـازی فضـا و ازهم‌گسـیختگی فضـای شـهری اسـت.

توجـه بـه چنیـن مسـئله ای در شـهرهای بـا منشـأ دینـی و مذهبـی اهمیـت بیشـتری دارد. علـت وجـودی ایـن شـهرها بـه دلیـل گـره خـوردن بـا ویژگـی هـای دینـی و مذهبـی، ملازمـت دائمـی آن را بـا ویژگی‌هـای شـهر اسـلامی بیش‌ازپیـش مطـرح می‌کنـد. شـهر مشـهد نمونـه‌ای در ایـن خصـوص اسـت. طـی سـالیان متمـادی هویـت مبتنـی بـر زیـارت، در ایـن شـهر شـیوهای از شـکلیابی فضـا را بـه نمایـش می‌گذاشـته، کـه ازنظـر کالبـدی و سـبک زندگـی، متأثـر از حـرم مطهـر و متانـت و تواضـع ناشـی از حضـور مرقـد مطهـر امـام رضـا علیـه السـلام بـوده اسـت. لـذا حضـور حـرم و زیـارت در جایجـای شـهر قابـل درک بـود. بااین حال در عصـر حاضـرو بـا روگردانـی از مبانـی اسـلامی و توجـه بـه مبانـی غربـی بـه ویـژه مبانـی فکری مـدرن، آنهـم بـه شـکل ناکارآمـد، شـیوهای از آرایـش فضایـی در ایـن شـهر شـکل گرفتـه اسـت کـه تناسـبی بـا یکپارچگـی شـهر اسـلامی بـه نمایـش نمی‌گـذارد. کـه نمونـه عینـی آن را می‌تـوان در شـکلیابی فضـا در بافـت پیرامـون حـرم بـه نظـاره نشسـت.

نوسـازی‌های بزرگ‌مقیـاس و برهـم زدن سـازمان محـلات و خـروج جمعیـت، از مهمتریـن مصادیـق در ایـن زمینـه بـه شـمار می‌آینـد. نکتـه قابـل توجـه دیگـر در ایـن خصـوص، سـبک نوسـازی و شـکل یابـی فضاسـت کـه نـه تنهـا اثرپذیـری چندانـی از حـرم مطهـر نشـان نمی‌دهـد، بلکـه بـه دنبـال تأثیرگـذاری بـر فضـا، مطـرح کـردن و ایجـاد حریمـی بـرای خـود اسـت، کـه می‌تـوان از آن بـا نـام «شخصی‌سـازی فضـا» یـاد کـرد. چنیـن مصادیقـی از شخصی‌سـازی فضـا را نیـز می‌تـوان در مناطـق دیگـری از شـهر مشـهد نیـز ملاحظـه کـرد. بنابرایـن بـا توجـه به مـوارد ذکرشـده، آنچـه پایـه و اسـاس مسـالۀ ورود بـه ایـن مبحـث را بـرای ایـن مطالعـه بـاز کـرده اسـت همانـا ۱)ارائـه تصویـری صحیـح از رویکـرد انسجام‌بخشـی اسـلامی بـه فضـا بـر مبنـای اصـل وحـدت در کثـرت و ۲) مقایسـه رویکردهـای مـورد تأکیـد در خصـوص شـکل یابـی فضـا در وضـع موجـود شـهر مشـهد اسـت. هـدف عمـده از ایـن بحـث، نمایـشِ بخشـی از تحولات کالبـدی شـهر مشـهد و نقـش آن در انسـجام فضایـی

1-Collage City

و میـزان انطبـاق آن بـا الگـوی شـهر اسـلامی اسـت. در کنـار ایـن هـدف اصلـی؛ اهـداف دیگـری همچـون بررسـی رویکردهـای نظری در بـاب انسـجام و تشـریح الگـوی انسـجام فضایـی ازنظـر حکمـای مسـلمان و تعمیـم آن بـه فضـای شـهری ازجملـه موضوعـات قابـل بحث در این مطالعه به شمار می آیند.

۳-سوال تحقیق

شیوه شـکل یابـی فضـا و انسـجام آن در شـهر مشـهد مبتنـی بـر چـه الگویـی اسـت و ایـن الگـو در مقایسـه با «اصـل وحـدت در کثـرت» دارای چـه جایگاهـی اسـت؟

٤-روش تحقیق

روش تحقیــق ایــن مطالعــه مبتنــی بــر رویکردهــای کیفـی اسـت کـه اسـاس آن بـر پایـه مشـاهده مسـتقیم و تهیــه عکــس و فیلــم توســط محقــق طــی بــازه زمانــی ۳ ســاله از ســال ۱۳۹۰ تــا ۱۳۹۳ از تغییــرات محدودههـای پیرامونـی حـرم مطهـر و ارتفاعـات جنوبی مشــهد، اســت. طـی ایـن مـدت، انجـام مصاحبـه عمیـق بـا سـاکنین محـل، ابعـاد دیگـری از تجربیـات شـخصی محقـق را در مشـاهدات شـخصی، تکمیـل و منسـجم سـاخت. عـلاوه بـر ایـن، بخـش مهـم دیگـری از ایـن مطالعـه، اختصـاص بـه کنـکاش و جسـتجو در اسـناد و کتـب معتبـر مرتبـط بـا موضـوع داشـته کـه درمجمـوع منجـر بهتعمیـم اصـل وحـدت در کثـرت بـه فضـای شــهر و تطبیــق آن بــا تحــولات رخــداده در محــدوده موردمطالعــه شــده اســت.

۵-محدوده موردمطالعه

ایــن محــدوده شــامل محورهــای پیرامونــی حــرم در منطقــه ثامن(شــامل محورهــای شــیرازی و امــام رضــا علیهالسـلام) و ارتفاعـات جنوبـی شـهر مشـهد منطبـق بــا محــدوده فعالیــت شــرکت تفریحــی توریســتی آبادگـران اسـت. نقشــه زیــر بیانگــر موقعیــت ایــن محــدوده هاســت.



نقشه۱)موقعیت محدودههای موردمطالعه در شهر مشهد

٦-سابقه مطالعات انجام شده

شــهر اســلامی از ابعــاد متعــدد، موردتوجــه و مطالعــه محققــان گوناگــون بــوده اســت. بــه عنــوان نمونــه برخـی مطالعـات انجـام شـده در ایـن زمینـه بـه شـرح زیـر اسـت:

(حکیــم[1] ۱۹۹۱) در مطالعــهای بــا عنــوان «طراحــی شــهری در فرهنــگ ســنتی اســلامی» بــه بررســی فراینـدهــا و تولیــدات فضایــی در محیطهــای ایــن شــهرها میپــردازد. (ابــن صالــح[2]، ۱۹۹۸)در مطالعــه ای تأثیـر قوانیـن اسـلامی (شـریعت) و قوانیـن محلـی (عــرف) را بــر توســعه ســاختاری شــکل شــهری در جنــوب غربــی عربســتان موردمطالعــه قــرار داد. (فلاحــت[3] ۲۰۱۴)در پژوهــش خــود بــا عنــوان «مفاهیــم مبتنــی بــر مبنــا در مورفولــوژی شــهر اســلامی» بــه بررســی وجــوه معنایــی در ســاختار و کالبــد شــهر اســلامی میپــردازد و ارائــه وجهــه کالبــدی از شــهر اســلامی را ناصــواب عنــوان میکنــد. (عامــر[4]،۲۰۰۷) در مطالعــهای بــا عنــوان یکپارچگــی دیــدگاه هــای فراگیـر اسـلامی در برنامهریـزی محـلات، بـه بررسـی جایـگاه محـلات در اندیشـه اسـلامی و ویژگـی هـای آن میپــردازد.

(ملکشــاهی، ۱۳۸۰) در مطالعــه خــود، تغییــرات ســاختاری در اماکــن مذهبــی شــهرهای اســلامی را بررسـی میکنـد. (دانـش، ۱۳۸۹) مبانـی شـکل گیـری و اصــول ســازمانی ابــی کالبــدی شــهر اســلامی را مــورد ارزیابــی قــرار میدهــد. درنهایــت وی بــه ارائــه الگویـی از مؤلفـه هـای مؤثـر در شـکل گیـری شـهر سـنتی اسـلامی بـا توجـه بـه تأثیـر معنـوی دیـن اقــدام میکنــد. (اهلــرز، ۱۳۷۳) در مطالعــه خــود بــا نــام «شــهر شــرق اســلامی مــدل و واقعیــت» ضمــن آنکــه کوشــش میکنــد عــلاوه بــر معیارهــای صــوری، عناصـر تاریخـی، اقتصـادی و دینـی را در حرکـت بـه سـوی تعریفـی نـو از شـهر شـرق اسـلامی دخالـت دهــد، از ایــن تفکــر کــه شــهر شــرق اســلامی تنهــا مدینــه ســنتی یعنــی بخــش قدیمــی شــهر اســت، دوری میگزینـد. (نقـی زاده، تاملاتـی در مبـادی شـهر اسـلامی، ۱۳۹۲) در تأملاتـی در مبـادی شـهر اسـلامی، ضمـن اشـاره بـه حضـور زیارتگاههـا در نقـاط شـهری،

1-Hakim
2-EBEN SALEH
3-Falahat
4-Omer

اقـدام بـه ارائـه آثـار ناشـی از ایـن حضـور در فضـای شـهری می‌پـردازد. (غنـی زاده, ۱۳۸۵)، شـهر در تمـدن اسـلامی را موردبررسـی قـرار می‌دهـد. وی در ایـن مطالعـه بـه ارائـه عوامـل تأثیرگـذار در نظـم و طـرح ظاهـر شـهر اسـلامی می‌پـردازد.

۷-مبانی نظری

ایـن مبانـی اشـاره بـه رویکردهـای موجـود در بـاب انسـجام فضایـی و همچنیـن بیـان رویکـرد اسـلامی در ایـن زمینـه اسـت.

ا لف) انسجام فضایی و رویکردهای مرتبط با آن:

رویکردهـای نظـری در بـاب انسـجام فضایـی و انسـجام شـهر: در حیطـه برنامه‌ریـزی منطقـه ای، مطالعـه ایـن رویکردهـا، گـذر از انسـجام اقتصـادی بـه انسـجام اجتماعـی فرهنگـی را مـورد تأکیـد قـرار می‌دهـد (اسـفندیاری و رئیسـی جلـودار، ۱۳۹۱: ۵-۱۲). امـا در ارتبـاط بـا رویکردهـای انسـجام فضایـی شـهر به‌طـور ویـژه ۵ رویکـرد اساسـی قابـل توجـه انـد.

۱- رویکـرد کل گـرا: محـور بحـث ایـن رویکـرد تأکیدبـر شـیوه تفکـر انسـان دربـاره کلیـت یعنـی جهـان بینـی او، بـه منظـور نظـم کلـی ذهـن اسـت. بـه نظـر کل گرایـان بینـش جزئی‌نگـر (اتمیسـم) نوعـی سـاده انـگاری و تجریـدی اسـت کـه فقـط در برخـی زمینـه هـای محـدود شـناخت معتبـر اسـت. کل گرایـان بـه وجـود روابـط پیچیـده میـان اجـزا توجـه دارنـد و شـناخت الگـوی همـه جانبـه روابـط میـان عناصـر شـکل شـهر را نقطـه آغازیـن طراحـی شـهرها میداننـد (تولایـی، ۱۳۸۷: ۵۵).

۲- رویکـرد سـازمندگرا: سـازمندگرایی مبیـن نیـاز انسـان بـه پیونـد بـا نظمـی وسـیع تـر اسـت. ایـن رویکـرد بیـن فلسـفه هنـر و زیبایـی شناسـی ازیـک طـرف و قواعـد عملکـردی از طـرف دیگـر قـرار دارد. لـذا طیفـی از نظریـه مذهبـی- فلسـفی وحـدت هدفمنـد، تـا نظریـه غیردینـی و علمـی- عملکـردی را فرامی‌گیـرد. سـازمندگرایی مذهبـی معتقـد اسـت کـه طبیعـت در نیروهـای متنـوع خـود، وحـدت هدفمنـد را حمـل می‌کنـد کـه نشـانه خلقـت الهـی اسـت و هنرمنـد از آن تقلیـد میکنـد. در مقابـل سـازمندگرایی عملکـردی کـه متأثـر از مدرنیسـم و نوگرایـی اسـت معتقـد به‌تبعیـت شـکل از عملکـرد اسـت (تولایـی، ۱۳۸۷: ۶۹). پاتریـک گـدس و مامفـورد هـر دو بـر اسـتعاره پرتـوان «سـازمند» تأکیـد داشـتند (پاکـزاد، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

۳- رویکـرد زیبایـی گـرا: بـر اسـاس ایـن رویکـرد، وحـدت منشـأ زیبایـی اسـت. در ایـن زمینـه جنبـش نقاشـی گونـه به‌عنـوان یکـی از مهمتریـن رویکردهـای زیبایی شناسـی موردتوجـه اسـت. در ایـن منظـر شـهر اثـری هنـری اسـت کـه وحـدت شـکلی اجـزای آن، از طریـق رعایـت قواعـدی چـون تأثیـر هماهنگـی میـان اجـزاء در فضـا بـر خطـوط دیـد، محصـور بـودن فضـا، سـادگی در طراحـی و... عملـی می‌شـود. الگـوی سـیمای شـهر، از دیگـر رویکردهـای مهـم در ایـن زمینـه اسـت کـه در آن سـه عامـل مؤثـر عبـارت انـد از : ۱- دیدشناسـی کـه بـه تجربـه قـدم زدن در شـهر بـا سـرعت یکسـان مربـوط می‌شـود. ۲- مـکان کـه بـه رابطـه کالبـدی بـدن انسـان بـا محیـط اشـاره دارد و ۳- محتـوا کـه بـا تاروپـود شـهر یعنـی رنـگ، نسـج، مقیـاس، سـبک و ویژگـی و منحصربـه فـرد بـودن سـروکار دارد. «کامیلیـو زیتـه» از چهـره هـای مشـهور در ایـن زمینـه اسـت. وی بـرای نخسـتین بـار شـهر را بـه مثابـه اثـری معمارانـه مطـرح میکنـد کـه بایـد به‌صـورت سـه‌بعدی طراحـی شـود و از شهرسـازی به‌عنـوان هنـر فضایـی نـام می‌بـرد (همـان: ۱۴۸-۱۵۰).

٤- رویکـرد سـاختارگرا: سـاختارگرایان معتقدنـد کـه بایـد بـه شـبکه فضایـی به‌عنـوان عنصـر اتصالدهنـده کالبـد شـهر و سـاختار فضایـی شـهر اهمیـت داد و از تأکیـد صـرف بـر تـوده سـاختمانی اجتنـاب ورزیـد. سـاختارگرایی ذهنـی شـاخه مهمـی از سـاختارگرایی اسـت کـه موضـوع خوانایـی شـهرها را مطـرح میکنـد. بـه ایـن معنـا کـه اگـر شـهر خوانـا باشـد بـه شـکل کامـل به‌وسـیله مـردم درک می‌شـود و فهمیـده می‌شـود[۱](Cristian, 2009, p. 173) ادمونـد بیکـن، کوئیـن لینـچ، و الکسـاندر ازجملـه

۱- بـه شـکل خـاص در ایـن زمینـه می‌تـوان بـه پـروژه شـهر خوانـای بریسـتول اشـاره کـرد کـه بـه دنبـال آن اسـت تـا از طریـق اتخـاذ یـک شـیوه کلـی نگـر همـه جانبـه بـرای توسـعه شـهر تعریـف کاربـردی و کارایـی از خوانایـی شـهر ارائـه کنـد.. در سـطح حکومت‌هـای شـهری نیـز در اروپـا چنیـن موضوعـی قابـل مشـاهده اسـت.

معتقدین به این رویکرد می‌باشند. به شکل خاص، لینچ معتقد است که شکل گیری تصویر شهر در نتیجه یک فرایند دو جانبه است که از طریق مشاهده گر و محیط آن هدایت می‌شود (Luque-Martınez,Del Barrio-Garcı, Angel Iban ez,& Rodrıguez Molina,2007).

ازنظر او کالبد شهر می‌بایست ساکنین را از گذشته خودآگاه گرداند چراکه به معنی‌دار بودن شهر کمک می‌کند (لینچ، ۱۳۸۱: ۲۱۵). وی در اثر خود «تئوری شکل خوب شهر»، هفت معیار را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند؛ که شامل سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت است (نگارستان، ۱۳۸۹: ۵۹-۶۸). به عقیده او عملکرد هویت، ساختار و معنی اجزاء تصویر شهر را تشکیل می دهند (Tveter, 2009, p35).

وی انسجام و کلیت شهر را از طریق همخوانی هر عنصر با دیگر عناصر مطرح می‌سازد (Botwina & Botwina, 2012).

۵- رویکرد زمینه گرایی: این رویکرد دارای ابعاد کالبدی و انسان گرایانه است که بر اندیشه‌های پست‌مدرن استوار است (گلکار، ۱۳۹۰: ۱۷۹). زمینه گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی – فرهنگی را عامل انسجام در شکل می‌داند. در زمینه کالبدی، شهر همچون کولاژ است.در این رابطه دیر و فلاستی نوعی شهرنشینی جدید را با مفهوم سرمایه داری کنو[1] نشان می‌دهند. که در آن فضاهای جدا از هم، شبیه به اتصال تکه های گوناگون به نوع خاصی آراسته می‌شود (Rodríguez González, 2004).

با ورود نظریه‌های مربوط به زمینه گرایی به عرصه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه انسان گرایانه آن شکل گرفت. که در این خصوص میتوان به نظریه مکان اشاره کرد. اساس نظریه مکان، درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. چهره شاخص و نظریه‌پرداز در رویکرد زمینه گرایی شولتز می‌باشد. وی معتقد است بشر وقتی سکنی می‌گزیند که بتواند خود را با یک محیط تطبیق داده و با آن هم ذات پنداری کند (فلاحت، ۱۳۸۵: ۵۷-۶۶).

در یک جمع بندی کوتاه از رویکردهای انسجام‌بخشی استنباط می‌شود که؛ توجه به معنا ازجمله ویژگی‌های مشترک تمامی این رویکردهاست. البته نوع نگاه و سطوح مختلف توجه به آن موضوعی است که این رویکردها را از یکدیگر متمایز می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت بخش مهمی از انسجام فضایی در نتیجه توجه به معنا در رویکردهای مرتبط با آن است. از سوی دیگر این معنا ارتباط نزدیکی با زیبایی دارد. چراکه درک زیبایی در مرحله اول از طریق معنا صورت می‌پذیرد (میرشاهزاده، ۱۳۹۱: ٦٤) و (Ziaei, 2012).

چنین موضوعی سبب شده است تا معنا و ارتباط آن با فضای کالبدی همواره وجه مهمی از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی محققان را به خود اختصاص دهد. رویکرد معناگرا حاصل چنین تلاشی است (بمانیان، ۱۳۸۹). بر این اساس معانی و محتوای مکان می‌تواند مشارکت ساکنین را در فرایندهای برنامه‌ریزی مکانی ارتقا دهد (Kuoppa, 2013, p. 89).

در این رابطه راپوپورت سه سطح از برای شهر شامل سطح بالا، متوسط و پائین را بیان میکند (Smith, 2007, p. 30) .

جنیفر کراس سطوح مختلف حس مکان را شامل ۷ مرحله می‌داند که از بی‌اعتنایی نسبت به مکان آغازشده و به فداکاری برای آن ختم میشود (صمیمی شارمی، ۱۳۸۸: ۲۳-۴۰). در این نگرش حتی اشکال هندسی دارای معنا و مفهوم مختص به خود هستند.

تأکید بر این ایده سبب شده است تا امروزه شهر پایدار خلاق را نه یک شهر فن گرا بلکه یک شهر ایدئولوژیک فرض کنیم[2] (Eugen Ratiu, 2013, p. 6).

ب) رویکرد حکمای مسلمان در باب انسجام:

1-Keno'' capitalism

۲- رویکردهای معنا گرا در شرایط کنونی بخش مهمی از فعالیت‌های مدیران شهری در سراسر دنیا به خود جلب کرده است. به عنوان مثال در شهر هلسینکی زیرساخت‌های مرتبط با ساختارهای فیزیکی، عملکردی و مشارکتی به گونه‌ای توسعه یافته است که شهروندان محلی می‌توانند آماده شوند به منظوردستیابی به یک فرهنگ حمایتی برای فراهم کردن یک هویت مبتنی بر مکان و حس اجتماعی

رویکـرد حکمـای اسـلامی در خصـوص انسـجام، برگرفتـه از بینـش و اعتقـاد آنهـا بـه جهـان هسـتی و معرفت‌شـناختی دارد. لـذا به‌منظـور درک بهتـر ایـن رویکـرد ضـروری اسـت، بینـش اعتقـادی و معرفـت شـناختی اسـلام موردتوجـه واقـع شـود تـا از ایـن رهگـذر شـناخت عمیـق تـری از موضـوع انسـجام و اصـل وحـدت در کثـرت حاصـل گـردد.

ازنظـر اعتقـادی در جهان‌بینـی اسـلامی، مـلاک، توحیـد و وحدانیـت خداونـد اسـت در ایـن بینـش هـدف صرفـاً نـه رفـاه انسـانی، بلکـه تبلـور خصوصیاتـی اسـت کـه وی را به‌سـوی تقـرب و کمـال سـوق می‌دهـد (علـی اکبـری، ۱۳۸۴: ۹۷).

ایـن مکتـب، دارای دو حـوزه حکمـت نظـری و عملـی اسـت. گزاره‌هـای حاکـم بـر حکمـت نظـری، کلـی، حقیقـی و غیـر نسـبی و در حکمـت عملـی، اعتبـاری، نسـبیت پذیـر و وابسـته بـه مجمـوع شـرایط زمانـی و مکانـی اسـت (نقـره کار ع. ، ۱۳۸۶: ۴۴).

انسـان در ایـن اندیشـه عـلاوه بـر بعـد جسـمانی، دارای بعـدی روحانـی اسـت کـه پـس از مـرگ بـه حیـات ادامـه می‌دهـد (بداشـتی، ۱۳۸۹: ۱-۱۸). او ضمـن بهره‌گیـری از علـم اخـلاق، بـه تکامـل نفـس و معرفـت دسـت‌یافته و بـه مرحلـه کمـال می‌رسـد (امـام جمعـه زاده، ۱۳۸۸: ۷۵-۱۰۰). لـذا در اندیشـه اسـلامی، مـلاک نـه انسـان، بلکـه انسـان آفریـن اسـت (جـوادی آملـی، ۱۳۹۳).

مهمتریـن ویژگـی معرفـت شناسـی اسـلامی، دسـتیابی بـه حقیقـت اسـت (فعالـی، ۱۳۷۰: ۹۲). ایـن معرفـت از سـویی تجربـه و حـس و از سـوی دیگـر عقـل و قلـب را در دسـتیابی بـه حقیقـت مـورد تأکیـد قـرار میدهـد (ایمانـی و دیگـران، ۱۳۹۰). کـه می‌تـوان آن را نقطـه تقابـل معرفت‌شناسـی غـرب بـه شـمار آورد (زاهـد زاهدانـی, ۱۳۹۱). همچنیـن ازجملـه شـیوه‌های کسـب معرفـت در نظـر حکمـای اسـلام تقسـیم علـم بـه دو دسـته حضـوری و حصولـی اسـت (شـیروانی، ۱۳۸۹: ۶۵-۱۱۰).

اعتقـاد بـه ایـن مسـائل سـبک ویژهـای را در تبییـن ارتبـاط خالـق بـا موجـودات شـکل داده کـه در قالـب اصـل «وحـدت در کثـرت» توسـط حکمـای اسـلامی بیان‌شـده اسـت. ایـن اصـل مبنـای اصلـی انسـجام در تفکـر اسـلامی اسـت. در ایـن زمینـه چهـار نظریـه قابل‌ارائـه اسـت:

۱- تبایـن و کثـرت موجـودات: مشـائیون بـر ایـن عقیدهانـد کـه عالـم حقایـق از موجوداتـی تشـکیل می‌شـود کـه هرکـدام بـا دیگـری تبایـن بالـذات دارنـد انتـزاع ایـن کثـرات از طریـق ذهـن انسـانی، مفهـوم واحـدی را بـه دسـت می‌دهـد (طباطبایـی, ۱۳۵۴, ص. ۵۵).

۲- از نظـرگاه حکمـت اشـراق، هسـتی، حقیقتـی یگانـه اسـت کـه دارای مراتـب مختلفـی از شـدت و ضعـف، تقـدم، تأخـر، غنـا و فقـر اسـت؛ ماننـد نـور خورشـید، مـاه و سـتارگان کـه همـه در نورانیـت مشـترک و از سـنخ واحدنـد و تفـاوت آنهـا فقـط به‌شـدت و ضعـف نـور و روشـنی آنهـا اسـت (ابراهیمـی دینانـی، ۱۳۸۱: ۹۰-۱۰۳).

۳- عرفـا (همچـون ابـن عربی)خلقـت را به‌نوعـی تجلـی وجـودی تعبیـر میکننـد و بـر نظریـه علـی معلولـی فلسـفی، خـط بطـلان می‌کشـند. توجیـه ابـن عربـی از وحـدت وجـود، وحـدت فـردی و شـخصی اسـت و منظـور از موجـود، واجـد حقیقـت هسـتی اسـت(همان منبـع).

۴- از دیـدگاه حکمـت متعالیـه و ملاصـدرا اولیـن و مهمتریـن موضـوع در خصـوص وحدت و کثـرت، اصالت وجود اسـت. موضـوع دیگری کـه ملاصدرا به آن اشـاره دارد تشـکیک وجـود اسـت. بـه ایـن معنی کـه تنها یک واقعیـت بیش نیسـت و تمـام کثرات جلوه هـای گوناگون آن است[۱](شـانظری، ۱۳۸۸: ۱۱۲) و سـبب می‌شـود کـه یـک حقیقـت بتوانـد در عیـن حفـظ وحـدت خـود، در قالـب امـور کثیـره نمایـان شـود[۲] (رضایـی، ۱۳۸۵: ۸۴). پـس می‌تـوان گفـت حقایـق عینـی وجـود، بـا یکدیگـر هـم وحدت دارنـد و هم تمایز،ولـی تمایز آنهـا به‌گونه‌ای نیسـت کـه آن وحدت را خدشـه دار کند، بلکـه تمایز آنها به‌شـدت و ضعـف برمی‌گردد[۳](شـیخ الاسـلامی, ۱۳۸۰, ص. ۱۱-۳۵). شـهید مطهـری در خصـوص اهمیـت وحـدت وجـود بیـان مـی‌دارد کـه: «... وحـدت وجـود از آن اندیشـه هایـی اسـت کـه کمتـر کسـی به عمـق این اندیشـه پـی بـرده اسـت» (رودگـر، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۳۲).

۱- اعتقـاد بـه واحـد منکـر کثـرت نیسـت. بنابرایـن می‌تـوان گفـت در ایـن اندیشـه خداشناسـی مسـتلزم انـکار کثـرت نیسـت

۲- هیکوایزوتسـو برایـن عقیـده اسـت کـه وحـدت وجـود امـری منحصـراً ایرانـی یـا اسـلامی نیسـت.

۳- معمـولاً مثالـی کـه بـرای تفهیـم ایـن تعبیـر از وحـدت وجـود می‌زننـد، مثـال نـور و درجـات مختلـف آن اسـت. بـه ایـن صـورت کـه اختـلاف نـور شـدید بـا نـور ضعیـف، ضعـف و شـدت آن‌هاسـت.

هرچند این اصل به شکل کلی، ارتباط مجموعه موجودات عالم با یکدیگر را تبیین می‌کند، اما در عرصه هنر، منشأ خلق آثار بشماری توسط هنرمندان مسلمان بوده است. ازجمله این موارد، در شهر و شکل یابی فضای آن است. که در این خصوص می‌توان به مکتب اصفهان اشاره کرد (حبیبی، ۱۳۷۷: ۴۸-۵۳).

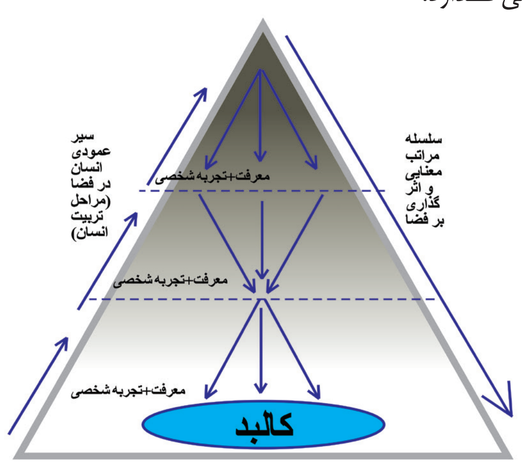
ج) انسجام فضایی ناشی از اصل وحدت در کثرت

تعمیم اصل وحدت در کثرت در انسجام فضایی و تجلی آن در شهر اسلامی از ابعاد گوناگون قابل‌بررسی است. که به اختصار عبارت اند از:
۱- مقصود از انسجام فضایی: در شهر اسلامی انسجام فضایی در درجه اول ماحصل بینش اسلامی و توجه آن به امور مادی و معنوی و عدم تفکیک این دو از یکدیگر است (رحیم پور ازغدی، ۱۳۹۲: ۱۳). لذا این را می‌توان مهمترین جنبه انسجام در شهر اسلامی به شمار آورد. از سوی دیگر هدف نهایی از این انسجام، حرکت در مسیر حق به عنوان سرانجام و حقیقت مطلق است.
لذا با توجه به اینکه این جهان مخلوق خداوند و خداوند نیز خالق یکتا و یگانه هستی است، لذا این جهان نیز مشمول وحدت خواهد بود و می‌بایست در راهی که دلالت به خدا کند، شکل بندی شود
(Sidawi, 2013, p. 31) و (خلعتبری، ۱۳۸۶: ۱۴).با توجه به اینکه ویژگی اصلی عالم ماده، کثرت آن و عالم معنا، وحدت بخشی است، می‌توان گفت، شهر اسلامی، دستیابی به انسجام فضایی را از مسیر تنوع و کثرت مدنظر دارد. چنین نگاهی چارچوبی را به هم می‌زند که در آن عناصر کالبدی و معنوی شهر با یکدیگر متحد بوده و وجود واحدی را به نمایش می‌گذارد.
۲- مفاهیم مستغرق در اصل وحدت در کثرت در خصوص انسجام فضایی: واکاوی و ژرف‌اندیشی در خصوص اصل وحدت در کثرت، بیانگر موضوعاتی به شرح زیر در باب انسجام است:

۲-۱)وحدت و عامل انسجام: نمایش و تجلی انسجام در این اصل بر پایه تنوع و کثرت است. لذا عامل و مقوم وحدت، می‌بایست آنچنان انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند به تکثرها و قالب‌های گوناگون آن پاسخگو باشد. یا به عبارتی کثرت‌ها بتوانند حول آن به وحدت برسند. چنین ویژگی خارج از عالم ماده است. لذا این عامل، در عالم معنا متبلور است. بر این اساس می‌توان گفت، وحدت و عامل انسجام، عاملی معنوی است.
ویژگی مهم این معنا، کمال طلبی و حقیقت‌گرایی آن است. که این کمال طلبی و حقیقت گرایی سیر معنایی را در کثرتها فراهم می‌سازد و سبب تکامل و ارزشیابی آنها می‌شود. این ویژگی معنا، آن را متمایز از معنا در اندیشه های پست‌مدرنیسم میکند. این معنا (در فضا) دارای مراتب است (اصل تشکیک) که این مراتب دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است:
*حضور و جلوه آن آنی نیست. بلکه خود را به تدریج آشکار میسازد. علت این امر آن است که هر فردی بهتناسب قدر و معرفت خود، آن را درک کند تا دچار وهم و گمراهی نگردد. برای این منظور بهره گیری از صناعات ادبی و استفاده از رمز و تأویل، جایگاه ویژهای در هنر اسلامی و به‌ویژه ایرانی دارد.
*تشکیک معنا، سبب تجلی آن در لایه های گوناگونی می‌شود. به عبارتی حقیقت در پس لایه های گوناگون معنایی مخفی است. چنین ویژگی در شهر، فضایی را متبلور می‌سازد که میزان آشنایی ساکنین با فضا به میزان سیر و حرکت، در این مراتب معنایی است.
*این سیر به‌صورت یک سلسله‌مراتب طولی و به شکل هدفمند و دارای مسیر مشخص است. که نقطه شروع آن از شکل ظاهری و کالبدی شروع می‌شود و تا اتصال به معرفت حقیقی تداوم پیدا میکند. در واقع این اصل یکی از مهمترین قوانین لازم برای دستیابی به انسجام شهری است. به‌این‌ترتیب که سلسله مراتب به صورتی پیوسته در کلیه مقیاس ها از استخوان بندی شهر، تا ترکیبات معماری موردتوجه است[1].
*پویایی و عدم سکون ویژگی مهم دیگر چنین

۱- لیکن مرور تجربیات شهری معاصر نشان می‌دهد که لفظ سلسله مراتب به صورت صوری و غالباً بصورت موردی و موضعی مطرح بوده است نه اینکه مفهوم جامع آن (شامل موارد و مراتب لازمه و توجه به کلیت کالبد فضاهای شهری و معانی آن‌ها) (طبیبیان, ۱۳۹۰).

انسـجامی اسـت. چراکـه مبتنـی بـر حرکـت عمـودی و افقـی اسـت. سـیر عمـودی، حرکـت از یـک لایـه معنایـی بـه لایـه معنایـی دیگـر و سـیر افقـی نیـز مبتنـی بـر جابجایـی در هـر لایـه معنایـی در هـر مرتبـه اسـت. از سـوی دیگـر ایـن ویژگـی و اتصـاف و اتصـال انسـان بـه آن، سـبب سیر و حرکـت انسـان نیـز میشـود. بـه عبارتـی انسـان همـواره بـا درک لایه‌هـا و مراتـب معنایـی، ضمـن کسـب آگاهـی و معرفـت، حرکـت بـه سـمت کمـال خـود راً نیـز تجربـه میکنـد. چنیـن جابجایـی و حرکتـی الزامـاً همـراه بـا حرکـت فیزیکـی و انتقـال مـادی در فضـا نیسـت و بـا «در نقطـه بـودن[1]» و «سـکون فیزیکـی» تناقـض نـدارد.
* چنیـن حرکتـی سـبب اتصـال و پیونـد عمیـق انسـان بـا مـکان میشـود و از سـوی دیگـر بـه دلیـل جهتـدار بـودن، انسـجام و یکپارچگـی شـهروندان را نیـز در پـی بـودن، انسـجام و یکپارچگـی شـهروندان را نیـز در پـی دارد. افـزوده می‌شـود و آن «انسـجام سـاکنین» اسـت. شـکل زیـر سـیر عمـودی، سلسـله معنایـی و اثرگـذاری فضـا را در شـیوه انسـجام شـهر اسـلامی بـه نمایـش می‌گـذارد.



شکل۱)سـیر عمـودی، سلسـله معنایـی و اثرگـذاری فضـا در شـیوه انسـجام شـهر اسـلامی.منبع: یافتـه هـای تحقیـق

بـر ایـن اسـاس بایـد گفـت اصـول شهرسـازی اسـلامی، از وحـدت آغـاز می‌شـود، کـه جلـوه توحیـد اسـت و در مسـیر خـود بـه هویـت مسـلمانی می‌رسـد کـه نمایـش باورهـا و اعتقـادات مسـلمانان، و به‌نوبـه خـود جلـوه دیگـری از توحیـد اسـت (سـادات حسـینی، ۱۳۹۲: ۲۶). سـطحی دیگـر از انسـجام فضایـی شـهر اسـلامی را می‌تـوان محـدود نبـودن آن بـه زمـان و نداشـتن جغرافیـای خاصـی دانسـت کـه مفهـوم «امـت اسـلامی» آن را تعریـف میکنـد (بمـات، ۱۳۶۹: ۱۱). در عرصـه کالبـدی، وحـدت و انسـجام بـه گونـه ای اسـت کـه مجموعـه‌ای منسـجم از شـبکه فضاهـای شـهری را در بافـت ایجـاد کـرده اسـت (اسـماعیلیان، ۱۳۹۲: ۶۵-۸۲). بـه عبارتـی عناصـر و بناهـای مختلـفِ موجـود در شـهرهای سـنتی اسـلامی، در کلافـی از معابـر و شـریان‌های ارتباطـی، مجموعـهٔ واحـدِ سـازمان‌یافته‌ای را می‌سـازند.

۲-۲)کثـرت و عامـل تنـوع: همانطـور کـه عنوان شـد در اصـل وحـدت در کثـرت، کثرت‌هـا بـه دلیـل آنکـه بازتـاب و آیینـه حقیقـت هسـتند دارای اهمیـت می‌باشـند. در چارچـوب اصـل وحـدت در کثـرت، کثرتهـا دارای ویژگی‌هایـی بـه شـرح زیـر می‌باشـند:

۱-کثـرت وظیفـه منـد اسـت بـه عبارتـی کثرتهـا (عالـم مـاده)، وظیفـهٔ نمایـش و ظهـور وحـدت را دارد. ایـن وظیفـه، اضافـه بـر، وظیفـه و عملکـردی اسـت کـه بـدان عمـل می‌کنـد. لـذا هـر مـاده در کنـار وظیفـه و عملکـرد خـود، موظـف اسـت وجهـی از وحـدت را بـه نمایـش گـذارد.

۲-کثرتهـا و تنـوع، بی‌هـدف نبـوده و جهـت‌دار هسـتند. و ایـن بـه دلیـل جهت‌گیـری آنهـا در خصـوص تجلـی معناسـت. بـه عبارتـی محـدوده و حریـم کثـرت تـا آنجاسـت کـه از حریـم و محـدوده این معنا خارج نشـود.

۳-کثـرت در نهـان و ذات خـود وابسـته بـه وحـدت بـوده و بـر اسـاس آن شـکل می‌گیـرد. لـذا جهـت انسجام‌بخشـی، نیـاز بـه عامـل خـارج از خـود نـدارد. بـه عبارتـی ارتبـاط آن، بـا عامـل وحدت‌بخـش درونـی و وابسـته بـا ویژگی‌هـای کثـرت اسـت و عوامـل دیگـر نظیـر شـبکه معابـر نقشـی ثانویـه در ایـن خصـوص دارنـد. ارتبـاط وحـدت بـا کثـرت در تجلـی آن اسـت.

۴-بـه عبارتـی وحـدت به‌نوعـی در کثـرت متجلـی میشـود. لـذا ایـن تجلـی زمینـه ارتبـاط سـطوح مختلـف را بـا یکدیگـر برقـرار می‌سـازد.
درمجمـوع همانطـور کـه عنـوان شـد، تجلـی کامـل چنیـن اصلـی را در مکتـب اصفهـان می‌تـوان مشـاهده کـرد. کـه در آن به‌تبـع جهان‌بینـی حاکـم، بـه وحـدت بیـان دسـت می‌یابـد. سلسـله‌مراتب فضایـی از بزرگتریـن مقیـاس تـا کوچکتریـن مقیـاس کالبـدی

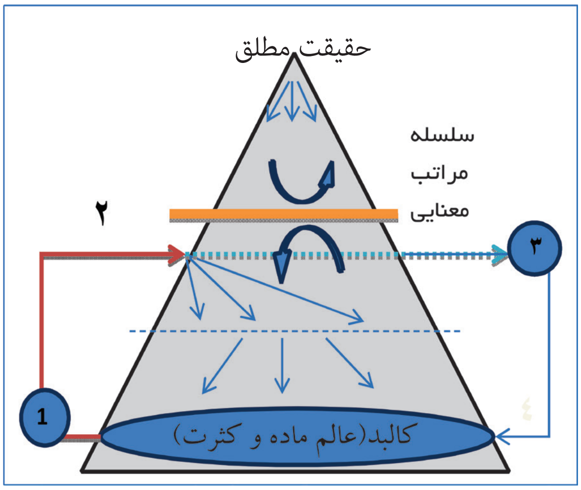
---

[1] ۱- بـا در نقطـه بـودن ویژگـی سـکون اسـت در مقابـل «خط» کـه بیانگر حرکت اسـت، قـرار دارد.

ایجادشده است و در هر مقیاس بر آن است که بازتابی از اصل وحدت‌بخش جهان باشد. عالم صغیر در عین بی‌نظمی ظاهری، نظمی باطنی را داراست(نظم در بی‌نظمی) (اهری، ۱۳۸۰: ۱۱). نقش چنین الگویی را نیز می‌توان در سایر کشورها ازجمله هندوستان نیز مشاهده کرد که اقتباسی از طرح اصفهان است (میراکوسامبی، ۱۳۸۳: ۲۰).
بااین حال شهر اسلامی در نتیجه تحولات عصر مدرن و استعمار و دور شدن تدریجی دولت‌های حاکم سرزمین‌های اسلامی از اجرای قوانین اسلامی، نتوانست شکوه گذشته خویش را به نمایش گذارد (پاپلی و وثوقی، ۱۳۷۵: ۷). در حال حاضر مهمترین انتقادات وارده به خلق فضا در شهر اسلامی (Sidawi, 2013, p. 26) عبارتند از:
اول: پذیرش و استفاده از مثال های خارجی و سبک معماری غربی. دوم: معماری حال حاضر هیچ پیوند با ارزشهای اسلامی ندارد و پاسخگوی مؤثر به نیازهای مردم و الهام بخش نیست و سوم: سوءاستفاده از جنبه ها و اجزاء مانند قوس‌ها، مدل درب‌های قدیمی و پنجره ها و غیره از معماری سنتی.

د) شخصی سازی فضا

شخصی‌سازی فضا بر اساس اصل وحدت در کثرت فرایندی است که در آن یک پدیده از عالم کثرت، به دنبال خارج شدن از دایره کثرات و ورود به حریم وحدت است(درحالیکه شرایط ورود به این حریم را ندارد).
لازمه ورود به این مقام، برهم زدن لایه‌های معنایی توسط این پدیده است که کثرات به آن وابسته اند. چنین امری سبب خواهد شد تا لایه (های) معنایی مرتبط با ویژگی‌های این پدیده ارائه شود و از این طریق ذهن و اندیشه مخاطب را به خود جلب نماید.
این مسئله عمدتاً با نمایش و خودنمایی پدیده به انحاء گوناگون صورت می پذیرد.
نظیر مکان گزینی در موقعیت خاص، ارتفاع گرفتن، نوع رنگ، نوع نورپردازی، و ویژگی‌هایی ازاین دست.
به عبارتی در این فرایند، شخصی‌سازی فضا شرایطی را به هم می‌زند تا یک پدیده، خود را معرض نمایش کثرت‌ها قرار دهد و از این راه خود را همچون نمادی غالب در فضای شهری مبدل سازد. بر این اساس هر پدیده‌ای که بخواهد معنای متناسب با خود را در فضا طنین‌انداز کند و از این طریق محیط پیرامون را به کرنش در برابر خود وادار سازد، در راستای شخصی سازی فضا، حرکت کرده است. شکل زیر فرایند شخص سازی فضا را نشان می‌دهد



شکل۲)فرایند شخصی سازی فضا
۱-جدا شدن پدیده از کثرتها، ۲- اثرگذاری بر نظام معنایی، ۳- مطرح شدن به عنوان عنصری مجزا، ۴- اثرگذاری بر کثرت‌ها (منبع: یافته های تحقیق)

۸- یافته های تحقیق

با توجه به مطالب قبلی، به منظور آشنایی با روند شخصی‌سازی فضا در شهر مشهد، نگاهی اجمالی به معرفی شهر مشهد به‌عنوان بستر این فرایند، خواهد توانست حلقه ارتباط مناسبی برای درک این موضوع در این شهر به دست دهد.

الف)معرفی اجمالی شهر مشهد:

مشهد بزرگترین کلان‌شهر مذهبی کشور، در سال ۱۳۹۰ با ۲,۷ میلیون نفر جمعیت (مرکزآمارایران، ۱۳۹۰) به دلیل موقعیت ممتاز مذهبی- گردشگری، سالانه پذیرای حدود ۱۹,۸ میلیون نفر مسافر است (سازمان‌میراث‌فرهنگی، ۱۳۸۸) در سال ۳۰۲ هجری قمری امام رضا علیه‌السلام در این منطقه به شهادت رسیدند و لذا بنام مشهدالرضا موسوم شد (طرح‌جامع‌شهرمشهد، ۶۴۳۱: ۰۱).

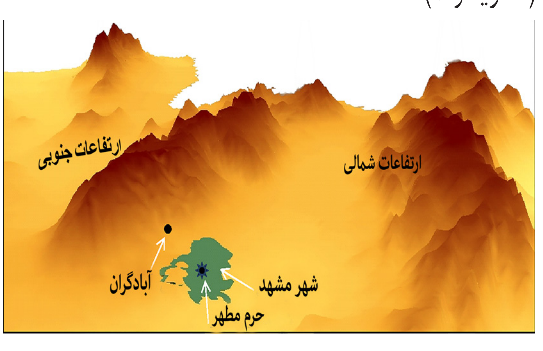
در زمـان صفویـه مشـهد به‌صـورت دومیـن زیارتـگاه بـا (سـازمان‌میراث‌فرهنگی،۱۳۸۸).
در سـال ۲۰۳ هجـری قمـری امـام رضـا علیه‌السـلام در ایـن منطقـه بـه شـهادت رسـیدند و لـذا بنـام مشـهدالرضا موسـوم شـد (طرح‌جامع‌شهرمشـهد، ۱۳۴۶: اهمیـت شـیعیان جهـان درآمـد (رهنمـا، ۱۳۷۶: ۱۴۸).
از دهـه۴۰ بـه بعـد بـا اجـرای اصلاحـات ارضـی، تزریق درآمـد نفـت و... منجـر بـه ایجـاد زمینـه اشـتغال و هجـوم مهاجـران روسـتایی بـه ایـن شـهر گردیـد. مشـکلات ناشـی از رشـد جمعیـت، باعـث شـد کـه تهیـه طـرح جامـع شـهر بـرای یـک دوره ۲۵ سـاله در ایـن دهـه انجـام شـود. پـس از وقـوع انقلاب اسـلامی، وقـوع مهاجرت‌هـای روسـتا شـهری همـراه بـا کمبـود مسـکن و زیرسـاخت‌ها، ضـرورت تهیـه طـرح تفصیلـی شـهر مشـهد در قالـب طـرح جامـع در سـال ۱۳۶۵ را بـرای یـک دوره ۲۵ سـاله از سـال ۱۳۷۰ تـا سـال ۱۳۹۵ مطـرح کـرد (رهنمـا، ۱۳۷۵: ۲۹۳).
در طـرح جامـع فعلـی شـهر مشـهد کـه در سـال ۱۳۷۲ بـه تصویـب رسـیده اسـت پیش‌بینی‌شـده کـه وسـعت شـهر تـا سـال ۱۳۹۵ بـه حـدود ۲۴۵ کیلومترمربـع و جمعیـت آن بـه ۵,۴۰۰,۰۰۰ نفـر برسـد (غمامـی، ۱۳۷۲: ۷۱).

ب)شخصی سازی فضا در شهر مشهد:

بخشـی از تحـولات گسـترده و سـریع شـهر مشـهد ناشـی از اجـرای پروژه‌هـای اقامتـی در مناطـق گوناگـون شـهر اسـت. کـه در مـوارد متعـدد یکپارچگـی فضایـی آن را دسـت‌خوش تغییـر و تحـول سـاخته اسـت. به‌منظـور نمایـش ایـن تغییـرات، بـه شـکل خـاص، ایـن مطالعـه تمرکـز خـود را بـر دو نمونـه آشـکار، در قالـب موضـوع شخصی‌سـازی فضـا، منتقـل کـرده اسـت. کـه شـامل محورهـای پیرامونـی حـرم مطهـر و ارتفاعـات جنوبـی مشـهد اسـت.

۱)ارتفاعات جنوبی شهر مشهد:

ایـن ارتفاعـات کـه بـه عنـوان سـرمایه‌های طبیعـی و عمومـی و محیـط زیسـت شـهری از گذشـته هـای دور، فضـای تفریـح، ورزش و گـذران اوقـات فراغت سـاکنین شـهر مشـهد بـه شـمار مـی آمـده، طـی سـالیان اخیـر بسـتر فعالیت‌هـای اقتصـادی و سـرمایه‌گذاری شـرکت آبادگـران گردیـده اسـت. بـه منظـور درک وضعیـت ارتفاعـات جنوبـی شـهر مشـهد کافـی اسـت نگاهـی بـه موقعیـت طبیعـی ایـن شـهر شـود. شـهر مشـهد در بسـتر رودخانـه کشـف رود و بیـن دو رشـته‌کوه هـزار مسـجد در شـمال و بینالـود در جنـوب واقع‌شـده اسـت. توسـعه ایـن شـهر به‌گونـه‌ای بـوده اسـت کـه پهنـه کالبـدی شـهر، فاصلـه بسـیار نزدیکـی بـا ارتفاعـات جنوبـی در مقایسـه بـا ارتفاعـات شـمالی دارد. در بخـش شـمالی، اراضـی کشـاورزی وسـیع عامـل جدایـی محـدوده شـهر از ارتفاعـات می‌شـود. درحالـی کـه در جنـوب، فاصلـه‌ای بیـن ارتفاعـات و عرصـه شـهر وجـود نـدارد. ایـن وضعیـت سـبب شـده اسـت تـا ارتفاعـات جنوبـی دیـد مناسـبی بـه کل پهنـه شـهر داشـته باشـد. همچنیـن از سـوی دیگـر اسـتقرار کاربری‌هـای مهمـی در ایـن نقطـه همچـون دانشـگاه فردوسـی، پـارک کوهسـنگی، پـارک جنگلـی طـرق و پـارک خورشـید، بـر جذابیت‌هـای آن افـزوده اسـت.
اجـرای پـروژه توریسـتی- تفریحـی در زمینـی بـه وسـعت حـدود ۴۷ هکتـار در ارتفاعـات غربـی کوهسـنگی و مشـرف بـه شـهر مقـدس مشـهد و حـرم مطهـر امـام رضـا(ع) ازجملـه اقدامـات ایـن شـرکت در ایـن محـدوده بـه شـمار می‌آیـد. کاربری‌هـای ایـن پـروژه دو بخـش اقامتـی و عمومـی اسـت کـه واحدهـای اقامتـی آن به‌صـورت ویلایـی و آپارتمانـی و شـامل ۷۰۰ واحـد اقامتـی اسـت (شـرکت مجتمع‌هـای توریسـتی و رفاهـی آبادگـران، ۱۳۹۴).
کاربـری هـای عمومـی آن نیـز شـامل رسـتوران، رختشـویخانه، سـوپر مارکـت، مجموعـه سرپوشـیده ورزشـی، سـالن جشـن‌ها، مجموعـه فرهنگـی مذهبـی و پلانتاریـوم، سـاختمان اداری و سـاختمان پذیـرش اسـت (شـرکت توسـعه عمـران و مسـکن اوران پویـا، ۱۳۹۴). (تصویـر ۱)



تصویر۱)موقعیت پروژه آبادگران در ارتفاعات جنوبی مشهد
منبع: نقشه توپوگرافی دشت مشهد

آنچه موضوع شخصی سازی فضا را در ارتباط با فعالیت این شرکت مطرح می‌کند از چند جنبه قابل‌طرح و بررسی است:

۱- اشرافیت بر فضای شهری مشهد :
نکته اول تسلط دید پروژه بر کلیه فضای شهری مشهد و حرم مطهر است. چنین اشرافیت و تسلطی به دنبال تحمیل «خود» به عنوان نشانه‌ای مهم در فضای شهری و برهم زدن لایه های معنایی در شهر است. اطلاق واژه اشرافیت و تسلط بر این فضا به این دلیل است که شرایط استقرار فضای دیگر در این محدوده امکان‌پذیر نیست. به‌عبارت‌دیگر این اشرافیت همراه با اشغال فضا و محصور نمودن ، عملاً امکان بهره‌گیری عموم از این منظر را غیرممکن می‌سازد(عدم توجه به کثرت‌ها)(تصویر ۲).

۲- استفاده از انفال و سرمایه‌های طبیعی شهر مشهد: استفاده از منابع طبیعی همچون ارتفاعات و کوه‌ها به‌عنوان سرمایه ملی و انفال در جامعه اسلامی، متعلق به تمامی افراد جامعه است. از سوی دیگر این منابع نقش مهمی در ارتقای کیفیت محیطزیست ایفا می‌نمایند.
دست‌اندازی به این منابع از سوی قشری خاص و تخریب منابع طبیعی و بی‌بهره ساختن عموم شهروندان از آن، نوعی از شخصی‌سازی فضا در عرصه عمومی شهر است (تصویر ۳).



تصویر۲)تسلط دید و اشرافیت فضای ساخته‌شده در محدوده شرکت آبادگران بر شهر مشهد
منبع: (شرکت توسعه عمران و مسکن اوران پویا، ۱۳۹۴)



تصویر۳)بهره گیری از سرمایه‌های طبیعی شهر مشهد در محدوده شرکت آبادگران
منبع: (شرکت توسعه عمران و مسکن اوران پویا، ۱۳۹۴)

۳- جدا گزینی شدید اجتماعی: از دیگر ویژگی‌های مهم مجموعه آبادگران، جدا گزینی شدید اجتماعی- اقتصادی است. این در حالی است که در شهر اسلامی محلات، طی سالیان متمادی، عمدتاً بر اساس ویژگی‌های آیینی از یکدیگر جدا می‌شدند که این جدا گزینی به معنای جدا شدن آنها از متن جامه شهری نبوده بلکه امکان حضور و فعالیت افراد در فضای عمومی شهر فراهم بوده است. حتی جدا گزینی اجتماعی و اقتصادی در «مکتب شیکاگو» مبتنی بر مقررات و قواعد از پیش تعریف‌شده و الزام‌آور نیست. در مجموعه آبادگران وجود دروازه ورودی، و صدور مجوز ورود برای قشر خاصی از جمعیت (شامل افراد طرف قرارداد شرکت)، جدا گزینی شدیدی را به همراه داشته است. در حال حاضر برخی از ساکنین شهر مشهدضمن خروج از بافت شهری و پذیرش قواعد شرکت، وارد این مجموعه شده‌اند و جدا از بافت شهری شیوه جدیدی از فرهنگ شهرنشینی را نضج و پرورش می‌دهند که بیشک متأثر از شرایط کالبدی آن خواهد بود.

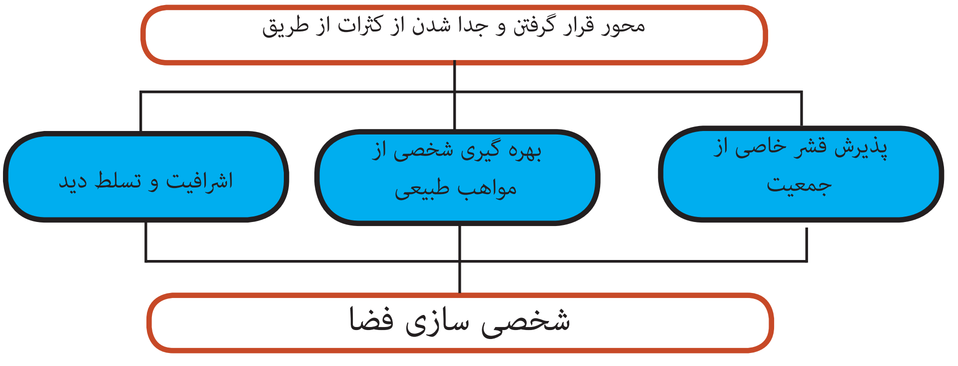
شیوه‌ای که به دلیل محصور بودن و ممنوعیت در ورود و خروج شهروندان، سبک خاصی از زندگی را اشاعه می‌دهد. چنین جدا گزینی شدید، علاوه بر بهره مندی از منابع طبیعی نظیر قرارگیری در معرض کریدورهای عبور جریان آزاد هوا، ارتفاعات، و چشم‌انداز مناسب، زمینه تقویت فردگرایی، و روحیه خودمحوری به شکل وسیع است و برآیند و خروجی این شیوه، تشدید شخصی‌سازی فضا در بالاترین شکل خود و ظهور آن به عنوان یک محدوده مجزا در فضای شهری است.(تصویر ۴)



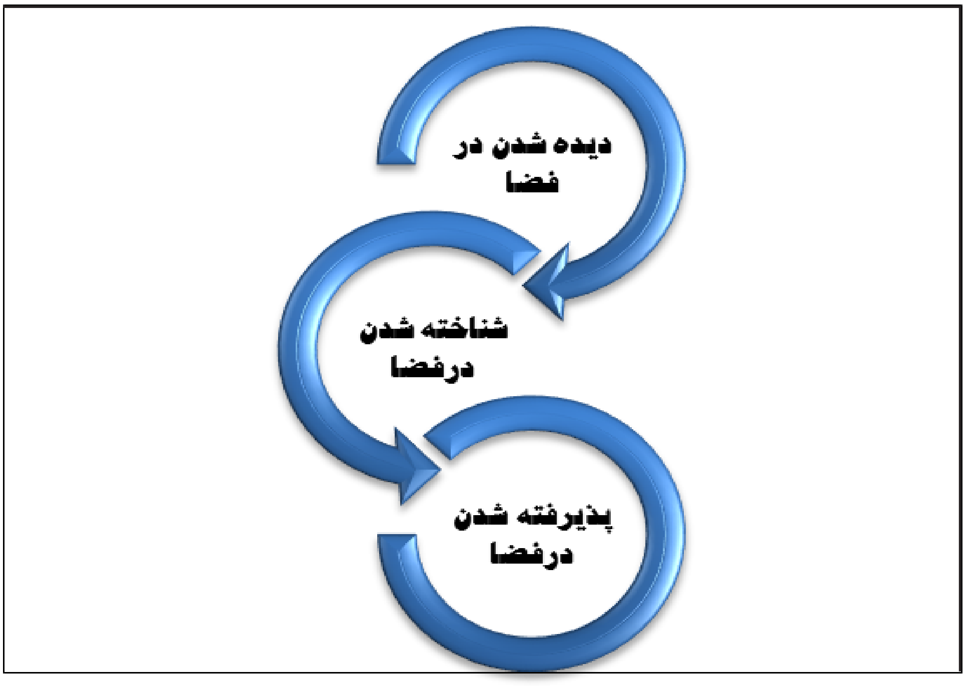
تصویر۴)جدایی گزینی شدید اجتماعی در محیط ایجادشده در محدوده شرکت آبادگران.منبع: عملیات میدانی محقق از محدوده، تابستان ۱۳۹۳

در واقع می‌توان گفت محور واقع‌شدن (محور سازی) این مجموعه در نتیجه سه عامل ۱) پذیرش قشر خاصی از جمعیت؛ ۲) بهره‌گیری شخصی از مواهب طبیعی؛ ۳) اشرافیت و تسلط دید بر فضای شهر صورت گرفته که درمجموع سبب شخصی‌سازی فضا در این محدوده شده است(شکل۳).

۲- محورهای پیرامونی حرم مطهر: ازجمله مصادیق شخصی‌سازی فضا در شهر مشهد را می‌توان پیرامون حرم مطهر در قالب پروژه‌های درمحورهای سرمایه‌گذاری مشاهده کرد جدا از مقیاس و نوع کاربری‌ها، دو نکته مهم که به شخصی‌سازی فضا در این محدوده منجر می‌شود شامل: ۱) اسامی انتخاب‌شده برای پروژه‌ها و ۲) تلاش آن‌ها به‌منظور تسلط بیشتر بر خط آسمان و محیط پیرامونی به‌ویژه حرم مطهر است. این موضوع در سه مرحله پیوستهٔ «دیده شدن»، «شناخته شدن» و «پذیرفته شدن» به انجام می‌رسد(شکل۴).



شکل۳)عوامل شکل‌دهنده به فرایند شخصی‌سازی فضا در مجتمع تفریحی آبادگران



شکل۴)فرایند شخصی‌سازی فضا در محورهای پیرامون حرم مطهر

-دیده شدن مرحله‌ای است که در آن پدیده موردنظر سعی دارد به نحوی خود را در معرض نمایش قرار می‌دهد.

-شناخته شدن: مرحله‌ای است پس از دیده شدن، که در آن پدیده موردنظر سعی دارد از منظر دیده شدن خود را به محیط و فضا پیرامونی بشناسد.

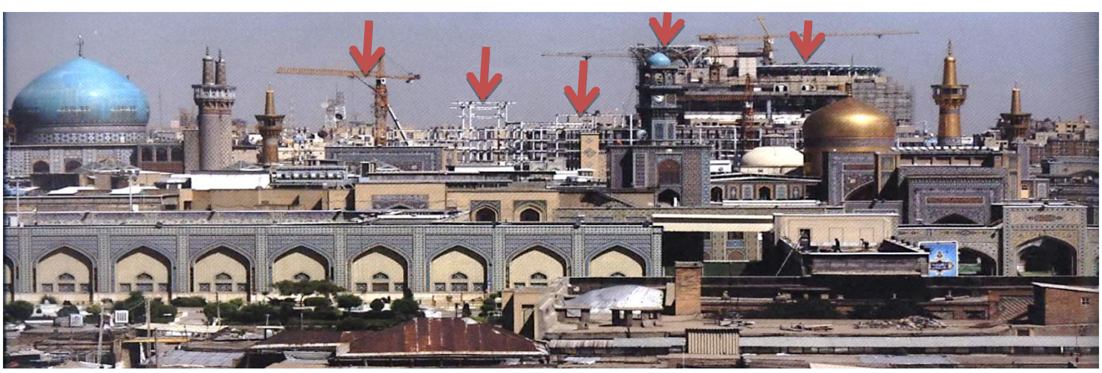
-پذیرفته شدن: که همانا مرحله نهایی این فرایند محسوب می‌شود و در واقع مرحله‌ای است که پدیده موردنظر سعی دارد ضمن ورود به لایه‌های معنایی خود را به‌عنوان نماد و نشانه‌ای اثرگذار و قابل‌پذیرش مطرح نماید.

مطالعات انجام‌شده بیانگر آن است در محدوده پیرامونی حرم مطهر، ۵۲ پروژه سرمایه‌گذاری در حال اجراست که کاربری عمده آن‌ها اقامتی و تجاری می‌باشد. دراین‌بین نام‌گذاری ۱۵ پروژه، بر اساس نام کارفرما و سرمایه‌گذار پروژه است (شهرداری منطقه ثامن، ۱۳۹۴). بلندمرتبه‌سازی‌ها و نام‌گذاری‌های این پروژه‌ها خود عامل مهم در راستای شخصی‌سازی فضا در پیرامون حرم مطهر است. در ارتباط با بلندمرتبه‌سازی‌های انجام‌شده سرعت و سبقت پروژه‌ها، جهت اشرافیت به خط آسمان و تأثیر بر دید ناظران همچنین به‌منظور تسلط و یافتن بهترین دید نسبت به حرم مطهر و تسلط بر بناهای پیرامون است.

این باعث شده است تا فضای پیرامونی مجموعه حرم مطهر، مرکز ثقل خود را (حرم مطهر)، در پشت چنین بناهایی مخفی سازد. چنین نشانه سازی‌هایی هنگامی انسجام فضایی در شهر را بیشتر متأثر می‌نماید که علاوه بر حجم کالبدی (در کنار کالبد حرم مطهر)، به دلیل انتساب در گوناگونی اسامی، نظام معنایی را نیز به چالش می‌کشد. چراکه در بسیاری موارد تناسبی با فضای پیرامون حرم مطهر ندارد. علاوه بر این، نام‌گذاری بسیاری از پروژه‌ها، تنها طنین انداز نام و آوازه شرکت سرمایه گذار است. زیرا این نام، اشاره به سرمایه گذار آن دارد. لذا وجود این نشانه ها با یادآوری سرمایه‌گذار آن، ضمن تکثر نشانه‌ها، عدم هویت و ارتباط آن با نشانه اصلی را متذکرمی گردد. لذا فضای پیرامونی حرم، فضای چندصدایی و چند نشانه‌ای است که اساس این کثرت شخصی سازی فضا است.

د) جمع بندی و نتیجه گیری

مطالعه شخصی سازی فضا در محدوده‌های



تصویر۵)تسلط بر حرم مطهر توسط بناهای پیرامونی (نما از خیابان شهید اندرزگو)



تصویر۶) تسلط بر حرم مطهر توسط بناهای پیرامونی (نما از داخل حرم مطهر به سمت محور شیرازی)
منبع: عملیات میدانی محقق از محدوده، تابستان ۱۳۹۳

موردمطالعه در شهر مشهد دو گونه متفاوت از یکدیگر را نشان داد:
۱) در محدوده‌های پیرامون حرم، شخصی‌سازی، نتیجه رقابت بین سرمایه‌گذاران متعدد است. چنین رقابتی علاوه بر افزایش شدت تغییرات، باعث شده است تا رقابت، روحیه حاکم بر این فضا باشد. چنین امری در تقابل با روحیه زیارت که مبتنی بر احترام، متانت و ازخودگذشتگی است، قرار دارد.
۲) در ارتفاعات جنوبی، چنین رقابتی در درون فضا و عناصر آن مشاهده نمی‌شود. بلکه این رقابت، با فضای پیرامونی (فضای شهر)، بر سر دستیابی به جایگاه نشانه شهری است. به دیگر سخن، مجموعه عناصر موجود در این فضا، در ارتباط با یکدیگر در تقابل با فضای شهر قرار دارند. لذا در این شیوه، شخصی‌سازی فضا به دنبال اثرگذاری بر شهر و فضای آن است. درحالی‌که در محدوده‌های پیرامونی حرم(مورد اول)، مقیاس اثرگذاری محدودتر است.
به عنوان جمع بندی از این بحث، در این مطالعه، دو الگو از شکل یابی فضا مورد ارزیابی قرار گرفت: الگوی اول مبتنی بر نظرات حکمای مسلمان و تعمیم آن در شکل‌بندی فضای شهر و انسجام آن، و الگوی دوم، الگوی رایج در شکل یابی فضا در پیرامون حرم مطهر و شهر مشهد. انطباق این دو الگو با یکدیگر دربردارنده نتایجی‌به شرح جدول ۱ است.

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود بررسی ابعاد گوناگون اصل وحدت در کثرت، در ارتباط با شخصی‌سازی فضا در شهر مشهد، وجوه متمایزی از یکدیگر را نشان می‌دهد و این بیانگر آن است که شیوه شکل یابی فضا در محدوده‌های موردمطالعه، کمتر انطباقی با شیوه خلق آن، در اندیشه و شهر اسلامی دارد. به‌گونه‌ای که در شیوه رایج، عدم توجه به کثرات (محیط پیرامونی و عناصر آن)، و مطرح ساختن یک پدیده مجزا، بدون .توجه به آثار و نتایج مترتب بر آن است
این آثار علاوه بر ابعاد کالبدی، به دلیل اثرگذاری بر محیط اجتماعی، دارای ابعاد غیر کالبدی نیز هست که نتیجه نهایی آن همانا غفلت و فراموشی انسان به دلیل اشتغال او در ابعاد مادی (غیر معنوی) است. برای این منظور قدم نخست، توجه به مبانی فکری برنامه‌ریزی در شکل یابی فضا است. به‌گونه‌ای که تا اهتمام جدی در این زمینه صورت نگیرد و بستر اقتران مفاهیم اولیه، با مبانی برنامه‌ریزی، فراهم نشود، دستیابی به این هدف، غیرممکن خواهد بود. مفاهیمی که نگاه آن به محیط پیرامون، جنبه تذکر و یادآوری است و آن را نردبان و عروج به عالم معنا می‌داند. چنین امری در شهر مشهد، به‌عنوان نماد یک شهر زیارتی، ضرورت توجه و بازنگری در شیوه‌های آرایش فضا و شکل یابی آن را بیش‌ازپیش مطرح می‌کند.

جدول۱)مقایسه ابعاد اصل وحدت در کثرت با شخصی‌سازی فضا بر اساس مطالعه صورت گرفته در شهر مشهد

محور	اصل وحدت در کثرت	شخصی‌سازی فضا
شکل کلی انسجام	بر پایه کثرت و اهمیت به آن	غفلت از کثرات
هدف انسجام	تربیت و تذکر انسان	فراموشی و غفلت انسان
معنا (وحدت)	توجه به‌مراتب عالی معنا و کمال طلبی	توجه به‌مراتب دانی معنا
	دارای انعطاف و قابل‌حمل بر کثرات	غیرقابل انعطاف و تحمیل بر کثرات
	آشکارسازی تدریجی	آشکارسازی آنی
	شکل‌گیری لایه‌های معنایی	عدم توجه به لایه‌های معنایی
	پویایی و عدم سکون	سکون و حرکت فیزیکی
	برقراری ارتباط عمیق با انسان	تحمیل خود بر انسان و تسخیر او
کثرت‌ها	تجلی دهنده هدف	وحدت گریزی و ترس از آن

کتابنامه

ابراهیمی دینانی، غ. (۱۳۸۱). «وحدت و کثرت وجود از دیدگاه حکمت متعالیه». اندیشه صادق. شماره ۸ و ۹. پائیز و زمستان ۱۳۸۱. ۹۰-۱۰۳.
اخوت، ه.، المانی فر، ن؛ بمانیان، م. (۱۳۸۹). معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی. تهران: – انتشارات هله/ طحان.
اسفندیاری، م. آ؛ رئیسی جلودار، ح. (۱۳۹۱). «طراحی فرایند انسجام فضایی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای». هفت حصار. شماره اول. سال اول. پاییز ۱۳۹۱، ۵-۱۲.
اسماعیلیان، س. (۱۳۹۲). «در جستجوی معیارهای شکل‌دهنده شبکه فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران؛ نمونه موردی: اصفهان، دردشت». فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۳۱. بهار و تابستان ۹۲. ۶۵-۸۲.
اکبر ص، آ. (۱۳۸۰). پست‌مدرنیسم و اسلام. (ف. فرهمندفر، مترجم) تهران: نشر ثالث.
امام جمعه زاده، س. ج. (۱۳۸۸). «رویکرد انسان‌شناختی و جایگاه آن در دیدگاه پست‌مدرن». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا. شماره سوم پائیز ۱۳۸۸. ۷۵-۱۰۰.
اهری، ز. (۱۳۸۰). مکتب اصفهان در شهرسازی زبان‌شناسی عناصر و فضاهای شهری. تهران : دانشگاه هنر.
اهلرز، آ. (۱۳۷۳). «شهر شرق اسلامی مدل و واقعیت». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. بهار شماره ۳۲. ۲۷-۶۵.
ایمانی شاملو، ج. (۱۳۹۱). «تبلور خطوط فکری نظام‌های حکومتی در عرصه برنامه‌ریزی شهری». مجله هفت. حصار شماره دوم سال اول زمستان ۱۳۹۱. ۴۷-۵۶.
ایمانی و دیگران، م. (۱۳۹۰). «تبیین رویکرد میان‌رشته‌ای از دیدگاه معرفت‌شناسی حکمت متعالیه». نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز. سال ۵. پاییز و زمستان ۹۰. شماره مسلسل ۹. ۴۳-۶۷.
بداشتی، ع. آ. (۱۳۸۹). «روح‌القدس در آموزه‌های مسیحی و اسلامی». مجله الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی) سال اول. شماره سوم. پاییز ۱۳۸۹ . ۱-۱۸.
بمات، ن. آ. (۱۳۶۹). شهر اسلامی. (م. ح. حلیمی، مترجم) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
بمانیان، م. (۱۳۸۹). «انعکاس معانی منبعث از جهان‌بینی اسلامی در طراحی معماری». فصلنامه شهر ایرانی اسلامی شماره دوم زمستان ۱۳۸۹. ۳۹-۱۲۳.
بهشتی، س. م. (۱۳۷۸). «نسبت ظاهر و باطن در معماری ایرانی». مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران ۲۵-۲۹ فروردین ۱۳۷۸. ارگ بم جلد دوم- : سازمان میراث فرهنگی کشور.
بیکن، آ. (۱۳۸۶). طراحی شهرها(تحول شکل شهر از آتن باستانی تا برازیلیای مدرن. (ف. طاهری، مترجم) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران)چاپ دوم.
پاپلی، م. ح؛ وثوقی، ف. (۱۳۷۵). «برنامه‌ریزی از دیدگاه اسلام و اثرات جغرافیایی آن». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۲. ۳-۲۳.
پاکزاد، ج. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی(۱) از آرمان تا واقعیت.. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی- شرکت عمران شهرهای جدید.
پاکزاد، ج. (۱۳۹۰). تاریخ شهر از آغاز تا انقلاب صنعتی و شهرنشینی در اروپا. تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
تولایی، ن. (۱۳۸۷). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
جوادی آملی، ع. (۱۳۹۳، ۵ آذر چهارشنبه). «حقوق بشر غربی به‌هیچ‌وجه مایه علمی ندارد». بازیابی در شناسه خبر: ۲۴۲۹۳۴۰. از خبرگزاری مهر: http://mehrnews.com/news
حبیبی، م. (۱۳۷۷). «مکتب اصفهان در شهرسازی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ۳. بهار ۱۳۷۷. ۴۸-۵۳.
حبیبی، م. (۱۳۸۲). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
خلعتبری، م. م. (۱۳۸۶). معماری، نظریه‌پردازی و علوم انسانی. اندیش نامه مجموعه نوشتارهای میان‌رشته‌ای شهر و معماری-. در تهران : وزارت مسکن و شهرسازی.
دانش، ج. (۱۳۸۹). «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی». فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره اول. پائیز ۱۳۸۹. ۱۵-۳۱.
رحیم پور ازغدی، ح. (۱۳۹۲). الگوی شهر اسلامی. مشهد : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد.
رضایی، م. (۱۳۸۵). «نقد و بررسی آرای علامه جعفری درباره وحدت وجود». مجله مطالعات عرفان. شماره ۴. پائیز

و زمستان ۱۳۸۵. ۸٤-۱۱٤.
رودگـر، م. (۱۳۸۹). «وحـدت وجـود از نـگاه کلام وحـی». فصلنامـه علـوم اسـلامی. شـماره پنجـم. شـماره ۲۰. زمسـتان ۱۳۸۹. ۱۱۱-۱۳۲.
رهنمـا، م. (۱۳۷۵). بافـت قدیـم و توسـعه شـهری، نمونـه بافت¬هـای مسـکونی مرکـز شـهر مشـهد. تهـران: دانشـگاه تربیـت مـدرس رسـاله دکتـری.
رهنما، م. (۱۳۷۶). حسینیه‌ها در بافت تاریخی مشهد. مجله مشکات. شماره ۵۶ و۵۷.
زاهـد زاهدانـی، س. س. (۱۳۹۱، شـهریور ۲۷). معرفت‌شناسـی علامـه حسـینی و نقـش آن در تمـدن سـازی اسـلامی. بازیابـی از فرهنگسـتان علـوم اسـلامی قـم: http://www.isaq.ir/vdcfi٠d٠aw٦dc.giw.html
زیـاری، ک. آ. (۱۳۸۲). «توسـعه کالبـدی تهـران در فراینـد مدرنیسـم و پست‌مدرنیسـم و جهانی‌شـدن». فصلنامـه مـدرس دوره ۷ شـماره ۲.
سـادات حسـینی، ز. (۱۳۹۲). «شـهر از منظـر هویـت اسلامی (بـا تأکیـد بـر هویـت مسـجد در شـهر اسلامی)». مجلـه پیـام مهنـدس سـال دوازدهـم. شـماره ۵۸. اردیبهشـت ۱۳۹۲. ۲٤-۲۸.
سازمان‌میراث‌فرهنگی. (۱۳۸۸).
شـانظری، ج. (۱۳۸۸). «تفسـیر عقلـی هـنر و زیبایـی در وحـدت و کـثرت از نـگاه ملاصـدرا». مجموعـه مقـالات حکمـی هـنری گردهمایـی بین‌المللـی مکتـب اصفهـان. تهـران: فرهنگسـتان هـنر جمهـوری اسـلامی ایـران.
شرکـت توسـعه عمـران و مسـکن اوران پویـا. (۱۳۹٤، اردیبهشـت). بازیابـی از شرکـت توسـعه عمـران و مسـکن اوران پویـا : http://fun. bottega--veneta.net/ سایت-آبادگران-مشهد/ /
شرکـت مجتمع‌هـای توریسـتی و رفاهـی آبادگـران. (۱۳۹٤، اردیبهشـت). بازیابـی از شرکـت مجتمع‌هـای توریسـتی و رفاهـی آبادگـران: http://abadgaraniran.com
شهرداری منطقه ثامن. (۱۳۹٤، اردیبهشت). بازیابی از پورتال منطقه ثامن شهرداری مشهد. جاذبه‌های سرمایه‌گذاری.
شیخ الاسلامی، ع. (۱۳۸۰). «هستی‌شناسـی ابـن عربـی و امـام ره». ضمیمـه مجلـه دانشـکده ادبیـات و علـوم انسـانی دانشـگاه تهـران بهار ۱۳۸۰. ۱۱-۳۵.
شیروانی، ع. (۱۳۸۹). «مفهـوم شـهود در فلسـفه غـرب و نسـبت آن بـا علـم حضـوری». فصلنامـه آئیـن حکمـت. سـال دوم. زمسـتان ۱۳۸۹. شـماره ٦. ٦٥-۱۱۰.
صدیـق سروسـتانی، ر. آ؛ نیمـروزی، ن. (۱۳۸۹). «بررسـی ارتبـاط بیـن مشـارکت در روابـط همسـایگی و احسـاس امنیـت در محـلات شـهر مشـهد». فصلنامـه دانـش انتظامـی - سـال دوازدهـم - شـماره دوم. ۱۸۵-۲۲۰.
صمیمـی شـارمی، ع. (۱۳۸۸).« بررسـی و سـنجش حـس مـکان در محـلات ارگانیـک و برنامه‌ریزی‌شـده». نامـه معمـاری و شهرسـازی دو فصلنامـه دانشـگاه هنـر شـماره سـه پاییـز و زمسـتان ۸۸. ۲۳-۴۰.
طباطبایی، م. ح. (۱۳۵۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم (جلد سوم). تهران.
طبیبیـان، م. (۱۳۹۰). «بازتـاب اصـل سلسـله‌مراتب در شـهرهای ایرانـی- اسـلامی». آرمان‌شـهر شـماره ۷. پاییـز و زمسـتان ۱۳۹۰. ۶۳-۷۶.
طرح‌جامع‌شهرمشهد. (۱۳۴۶).
علی‌آبـادی، م. (۱۳۸۲). «شـهر خداونـد تصویـری از سـاختار معنایـی آرمان‌شـهر اسـلامی». مـدرس هنـر ۱۳۸۲. شـماره ۳. ۷۳-۹۱.
علی‌آبـادی، م. (۱۳۹۱). «جایـگاه عقـل در مفهـوم پایـداری شـهر». فصلنامـه مطالعـات معمـاری ایـران. شـماره ۱. بهـار و تابسـتان ۱۳۹۱. ۲۵-۳۷.
علی‌اکبری، ح. (۱۳۸۴). «دین و توسعه». نشریه: راهبرد توسعه . پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۳. ۹۳-۱۰۲.
غمامی، م. (۱۳۷۲). «طرح جامع مشهد». فصلنامه آبادی سال سوم شماره ۹.
غنی زاده، م. (۱۳۸۵). «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی». نشریه: راهبرد توسعه . پاییز ۱۳۸۵ - شماره ۳. ۱۹۷-۲۱۰.
فرزیـن، آ. (۱۳۸۹). «تأملـی بـر نقـش زیارتگاه‌هـا در سـاخت منظـر شـهر ایرانـی». نشـریه منظـر شـماره ۱۱. ویـژه منظـر شـهری تهـران. آبـان و آذر ۱۳۸۹. ۲۶-۲۷.
فعالی، م. (۱۳۷۰). درآمدی بر معرفت‌شناسی دینی و معاصر. قم: انتشارات معارف.
فلاحـت، م. (۱۳۸۵). «مفهـوم حـس مـکان و عوامـل شـکل‌دهنده آن». نشـریه هنرهـای زیبـا • شـماره ۲۶ • تابسـتان ۱۳۸۵. ۵۷-۶۶.

گلکار، ک. (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
لینچ، ک. (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر. (س. ح. بحرینی، مترجم) تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۱.
مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
ملکشاهی، غ. (۱۳۸۰). «تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی سال اول شماره سوم ۱۳۸۰. ۱۶۱-۱۸۳.
مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۳). «حکمت معماری اسلامی». نشریه هنرهای زیبا شماره ۱۹ پائیز ۱۳۸۳. ۵۷-۶۶.
میثاقیان، غ. (۱۳۹۲). جمال صورت و معنی گفتارهایی در باب مفاهیم پایه شهر و معماری ایرانی. تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
میراکوسامبی. (۱۳۸۳). شهرهای مغولی و بریتانیایی در هند اشکال و کارکردها. عنوان کتاب شهرنشینی در اسلام ج ۲ (م. افشار، مترجم). در تهران : مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
میرشاهزاده، ش. (۱۳۹۱). «زیبایی، تجلی فضایی، انگاره زیبایی». مجله هویت شهر. شماره یازدهم. سال ششم. پائیز ۱۳۹۱. ۶۳-۷۴.
نقره کار، ع. (۱۳۸۶). «فرهنگ و معماری، رابطه صورت و معنا در هنر و معماری». اندیش نامه مجموعه نوشتارهای میان‌رشته‌ای شهر و معماری. در تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
نقره کار، ع. (۱۳۹۱). «نسبت مکتب اسلام با فلسفه هنر، معماری و شهرسازی». نشریه پنجره. سال چهارم شماره سیزدهم بهار ۱۳۹۱. ۱۱۲-۱۱۸.
نقی زاده، م. (۱۳۸۳). «بارزه‌های شهر و معماری اسلامی». نامه فرهنگستان علوم شماره ۲۶ و ۲۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۳. ۴۳-۷۳.
نقی زاده، م. (۱۳۹۲). «تأملاتی در مبادی شهر اسلامی». کتاب ماه هنر شماره ۱۷۸. تیر ۱۳۹۲. ۴-۱۵.
نگارستان، ف. (۱۳۸۹). «تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در روند نوسازی شهری». مجله باغ نظر شماره چهارده / سال هفتم/ تابستان ۱۳۸۹ . ۵۹-۶۸.

Botwina, R., & Botwina, J. (2012). LOOKING FOR MEANING IN ARCHITECTURE: GETTING CLOSER TO LANDSCAPE SEMANTICS. STUDIES IN LOGIC, GRAMMAR AND RHETORIC 28 (41) 2012, 221-231.
Cristian, M. (2009). THE CITY IMAGE AND THE LOCAL PUBLIC ADMINISTRATION: A WORKING TOOL IN URBAN PLANNING. Transylvanian Review of Administrative Sciences, 27E 2009, 172-188.
Dugopolski, J. (2008). POSTMODERN URBANISM FROM COLLAGE CITY TO MULTI-NATIONAL CITY. 703b: Contemporary Architectural Theory.
EBEN SALEH, M. (1998). The Impact of Islamic and Customary Laws on Urban form Development in Southwestern Saudi Arabia. HABIT AT INTL. Vol. 22, No. 4, 1998, 537- 556,.
Eben Saleh, M. A. (2000). The architectural form and landscape as a harmonic entity in the vernacular settlements of Southwestern Saudi Arabia. Habitat International 24 (2000) , 455-473.
Ebne Saleh, M. (1998). The Impact of Islamic and Customary Laws on Urban form Development in Southwestern Saudi Arabia. HABIT AT INTL. Vol. 22, No. 4, 1998, 537- 556,.
Eugen Ratiu, D. (2013). Creative cities and/or sustainable cities: Discourses and practices. City, Culture and Society xxx (2013), 1-11.
Falahat, S. (2014). Context-based conceptions in urban morphology: Hezar-Too, an original urban logic? Cities 36 (2014) , 50–57.
Kuoppa, J. (2013). Sensing, Learning and Transforming a Neighbourhood by

Walking. L. Horelli رد, New Approaches to Urban Planning Insights from Participatory Communities. Helsinki: Aalto University publication series.
Luque-Martınez, ,. T., Del Barrio-Garcı, S., Angel Iban ez, J., & Rodrıguez Molina, A. n. (2007). Modeling a city's image: The case of Granada. Cities, Vol. 24, No. 5, , 335–352.
Omer, S. (2007). Integrating the Islamic Worldview into the Planning of Neighbourhoods. Journal of Construction in Developing Countries, Vol. 12, No. 2, , 63-80.
Rashid, H. (2012). Identity Discourse in Islamic Architecture. J. Basic. Appl. Sci. Res., 2(1), 2012, 926-934.
Rodríguez González, R. (2004). THEORIES, MODELS AND URBAN REALITIES.FROM NEW YORK TO KATHMANDU. Dela 21, 69-81.
S. Hakim, B. (1991). Urban design in traditional Islamic culture Recycling its successes. Cities, Volume 8, Issue 4, November 1991, , Pages 274-277.
Sak, S. (2008). FORMATION OF THE CITY IMAGE: THE ROLE OF THE TRAIN STATION IN THE IMAGE FORMATION PROCESS OF ANKARA. Approved by the Institute of Fine Arts.
Salet, W. (2003). Metropolitan Governance and Spatial Planning. spon.
Saod, r. (2002). NTRODUCTION TO ISLAMIC CITY. foundation for science thecnology and civilisation (ص. 1-9). Mnchester: FSTC limited.
Shinde, K. A. (2012). Place-making and environmental change in a Hindu pilgrimage site in India. Geoforum 43 (2012).116-127.
Sidawi, B. (2013). Understanding the vocabulary of the Islamic architectural heritage. GBER Vol. 8 Issue. 2 pp , 26 - 39.
Smith, M. E. (2007). Form and Meaning in the Earliest Cities: A New Approach to Ancient Urban Planning. JOURNAL OF PLANNING HISTORY, Vol. 6, No. 1, February 2007, 3-47.
Tveter, o. (2009). Anarchist Urban Planning & Place Theory. London: Green and Marc Scholes.
YILDIZ, Ş. (2011). What Does Make a City Islamic? International Journal of Business and Social Science, Vol. 2 No. 8; May 2011, 199-201.
Ziaei, F. (2012). ANARCHIST DESIGN. 2nd International Conference, Mukogawa Women's Univ, July 14-16, (ص. 186-189). Nishinomiya, Japan.